

## هویت‌سازی رسانه‌ای در جریان مذاکرات هسته‌ای ج.ا.ا. (مطالعه موردی روزنامه ایران ۱۳۹۲-۱۳۸۲)

قاسم میسایی<sup>۱</sup>، فائز دین‌پرست<sup>۲</sup>، مسلم گلستان<sup>۳</sup>، محمد جعفری<sup>۴</sup>

### چکیده

پژوهش پیش‌رو به هویت‌سازی رسانه‌ای در جریان مذاکرات هسته‌ای و به‌طور موردی هویت گروهی نمایش داده شده از کشورهای عضو ۵+۱ در روزنامه ایران، دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲، پرداخته است. در دنیای جدید رسانه‌ها در موضوعات مختلف به کمک سیاست خارجی آمده‌اند و با طرح موضوعات مختلف سعی در پیگیری منافع خود دارند. در این میان یکی از مهم‌ترین کارهایی که رسانه‌ها در این خصوص انجام می‌دهند هویت‌سازی از خود و دیگران است تا بدین ترتیب هم به شکل‌گیری ذهنیت تصمیم‌گیران کمک کنند و هم افکار عمومی را به سمت و سوی خاصی هدایت کنند. بر همین اساس، دیپلماسی رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر مسائل جدید به‌طور عام و مسئله روند هسته‌ای ایران به‌طور خاص است. سؤال تحقیق بدین صورت مطرح شده است که «هویت‌سازی رسانه‌ای روزنامه ایران در خصوص هویت گروهی اعضای ۵+۱ در سال‌های ۹۲-۸۲، از چه کاراکترها و مشخصه‌هایی برخوردار است؟» در این پژوهش یافته‌های تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوا ضمن تأکید بر سیالیت و برساخته بودن هویت کشورها در روابط بین‌الملل، هویت‌های گروهی اعضای ۵+۱ را در قالب گروه‌های «دوست» و «دشمن» نمایش می‌دهد.

### واژه‌های کلیدی

تحلیل محتوا، دیپلماسی رسانه‌ای، روزنامه ایران، مذاکرات هسته‌ای، هویت

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۹

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

ghmisaei@yahoo.com

dinparast@atu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

۳. کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده وزارت خارجه

moslemgolestan@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد jafarimohammad070@gmail.com

## مقدمه

پیشرفت‌های علمی و فنی در زمینه ارتباط جمعی، جهان را به رزمگاهی در نبرد اندیشه‌ها مبدل نموده است که این پیشرفت‌ها موجب انتشار سریع زمانی و مکانی ارتباطات و اطلاعات شده به گونه‌ای که با اتکا به فشردگی زمان و مکان، تعاملات می‌تواند در آن واحد صورت گیرد؛ بنابراین گروهی از فناوری‌ها مانند رایانه‌ها، تلفن‌های همراه، اینترنت، رادیو، تلویزیون، روزنامه و ... موجب دگرگونی‌های عالم‌گیر و سریعی در الگوهای تعامل و رفتار انسان‌ها شده است. فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطاتی در قلب فرایند جهان کنونی جای دارد به طوری که اگر موتور بخار ما را به انقلاب صنعتی رساند، فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطاتی هم جهانی شدن و دهکده جهانی را برای ما به ارمغان آورده است. تغییرات جهانی و ورود به جهان ارتباطات و اطلاعات باعث شده تا دیپلماسی نیز تغییراتی را تحت تأثیر جهان امروزی پذیرا شود که برخی آن را اجتماعی و خصوصی شدن دیپلماسی می‌دانند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۲). امروزه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها به عنوان یک عامل تعیین کننده در نظام بین الملل تحت تأثیر و تعامل تحولات شگرف در عرصه ارتباطات قرار گرفته است؛ چنانچه «دیپلماسی رسانه‌ای» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است و بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورهای به ویژه قدرتمند جهانی را به خود اختصاص داده است. از این منظر گروهی از محققان و کارشناسان این گونه تحلیل می‌نمایند که اساساً دیپلماسی رسانه‌ای از رسانه‌ها در جهت ارتقای سیاست خارجی کشورها استفاده می‌کند و رسانه به مثابه ابزاری در دیپلماسی تلقی می‌شود که با بهره‌گیری از این ابزار، دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران می‌توانند نیات و مقاصد خود را محک بزنند (رضاییان، ۱۳۷۸: ۷۸). در آغاز هزاره سوم «دیپلماسی رسانه‌ای» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است. هم‌اکنون فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه روزنامه‌ها، شبکه‌های اینترنتی، تلویزیون‌ها و رادیوهای جهانی کشانده‌اند. این همان عاملی است که در عصر جامعه اطلاعاتی، فضای روابط متعامل دیپلمات‌ها و رسانه‌ها را الزامی ساخته است. فضایی که در آن، پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. چنان‌که هر قدر این تاکتیک‌ها و پوشش خبری پر قدرت تر و تأثیرگذارتر طراحی و منتشر شوند، چرخ‌های سیاست خارجی روان تر می‌چرخد (سلطانی فر، ۱۳۸۵: ۱۵۹). فضای به وجود آمده توسط رسانه بر وقایع سیاست خارجی از طریق تصویر، برجسته‌سازی، نفوذ تصمیم‌گیران و وادار کردن آن‌ها به واکنش از طریق رسانه با ویژگی‌های خاص خود، منعکس می‌شود. مفهوم محیط رسانه شامل فرایند بازخورد نیز می‌شود؛ فرایند

درگیر شدن رسانه پیچیده است ولی اساساً دو جنبه دارد: اول، رسانه به‌مثابه یک منبع ورودی برای تصمیم‌گیری. دوم، رسانه به‌عنوان محیطی که رهبران باید هنگام اتخاذ تصمیمات و اعلان و پخش آن‌ها، دقت و توجه کافی را به آن‌ها مبذول دارند. رهبران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی به‌وسیله رسانه‌ها تحت نفوذ قرار دارند. آن‌ها از طریق مطبوعات، بسیاری از وقایع بین‌المللی را می‌آموزند و تعداد زیادی از پیام‌های پیش‌رو در حوزه بین‌المللی به‌وسیله کانال‌های ارتباط جمعی دریافت می‌شود. در اینجا، رسانه به‌عنوان منبع، قسمتی از محیط ورودی، در فرایند تصمیم‌گیری انجام‌وظیفه کرده و به رهبران، اطلاعات و داده عرضه می‌کند (سلطانی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۰).

در سالیان اخیر یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است، موضوع هسته‌ای ایران و مذاکرات صورت گرفته در خصوص آن بین ایران و اعضای ۱+۵ بوده است. فعالیت‌های هسته‌ای ایران که از اواخر دهه ۵۰ میلادی (۱۹۵۷) و با همکاری ایالات متحده، به‌عنوان بخشی از پروژه «اتم برای صلح» آغاز شده بود، به دنبال گزارش تیموتی گاردن در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) مبنی بر هسته‌ای بودن ایران و همچنین افشاگری گروه موسوم به منافقین در ۱۹ اوت سال ۲۰۰۲ (۲۳ مرداد ۱۳۸۱)، وارد مرحله جدیدی شد. بعد از این شاهد مذاکرات هسته‌ای بین ایران و طرف‌های اروپایی هستیم؛ مذاکراتی که در نهایت به شکست انجامید و موافقت‌نامه‌های سعدآباد، پاریس و بروکسل به بن‌بست رسیدند و جمهوری اسلامی، اقدام به ابطال موافقت‌نامه پاریس و آغاز فعالیت «UCF» اصفهان کرد. بعد از این بود که سیر ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت از سوی غربی‌ها و شروع یک مرحله جدید و پرتنش هم‌زمان با شروع دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد آغاز شد از این زمان به بعد چندین قطعنامه از جمله ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، در شورای امنیت علیه ایران صادر گردید که در نهایت، با روی کار آمدن دولت یازدهم و طی مذاکراتی فشرده به مدت دو سال، توافق هسته‌ای با عنوان برجام به حصول، امضا و اجرا رسید. باید اذعان کرد که در تمامی این سال‌ها موضوع پرونده هسته‌ای ایران در کانون توجهات بین‌المللی و رسانه‌های ارتباط جمعی بوده است. در این میان، یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که در پوشش خبری به آن پرداخته می‌شود، هویت‌سازی از طرف‌های مقابل است. به‌عبارت‌دیگر عوامل رسانه‌ای با توجه به جهت‌گیری‌هایی که دارند سعی در معرفی طرف‌های مذاکره‌کننده به شکل مثبت یا منفی دارند. در نتیجه همین هویت‌سازی‌هایی که توسط عوامل رسانه‌ای انجام می‌شود، به‌طور غیرمستقیم بر روند مذاکرات و بر دو طرف مذاکره‌کننده تأثیر می‌گذارد. از این منظر هویت برساخته برای دیگری، از اهمیت بالایی جهت تحلیل مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه ۱+۵ برخوردار است. رسانه‌ها از جمله عوامل اصلی هویت‌ساز دیگران در برابر خود در عرصه

سیاست خارجی می‌باشند. در حقیقت رسانه‌ها نقش مهمی در تثبیت هویت برای خود و دیگری ایفا نموده و نه تنها بر اذهان عامه مردم تأثیرگذار می‌شوند، بلکه فرایند رسمی سیاسی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. درخصوص مذاکرات هسته‌ای ایران پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که اشاره به برخی از مهم‌ترین آن‌ها ضروری است. فواد ایزدی و حکیمه سقای - بیریا (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های نخبه آمریکایی در مورد پرونده برنامه هسته‌ای ایران» از مفهوم شرق‌شناسی ادوارد سعید و مفهوم میدان ایدئولوژیک ون‌دایک برای تحلیل پوشش سرمقاله سه روزنامه نخبه آمریکایی از برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌کنند. تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی از مقاله‌های نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست و وال‌استریت ژورنال از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ شش مضمون شرق‌شناسی را مشخص می‌کند. در این مطالعه نشان داده می‌شود که وال‌استریت ژورنال و واشنگتن‌پست بیشتر از نیویورک‌تایمز استدلال‌های شرق‌شناسی را به تصویر می‌کشند. مریم سادات غیثیان و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اپیزودی فعالیت هسته‌ای ایران در مطبوعات غرب» (۲۰۱۴) به شناسایی سطوح گزاره‌ای در متون سرمقاله‌های غربی درباره فعالیت هسته‌ای ایران پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از الگوی ون‌دایک و روش توصیفی و تحلیلی کوشیده‌اند تا با تحلیل نمونه‌ای از سرمقاله‌های روزنامه ایندپندنت انگلیس، به این پرسش پاسخ دهند که چگونه می‌توان فرایند سازماندهی سرمقاله را در قالب یک الگوی منسجم از گزاره‌ها توصیف کرد؟ یافته‌های غیثیان و همکارانش نشان می‌دهد که کلان گزاره‌های کلی در اولین جملات درون‌مایه‌ای تجلی‌یافته و خلاصه‌ای از متن که همان سیاست آمریکا نسبت به فعالیت هسته‌ای ایران است را نشان می‌دهد. بهنام بیوک و ربابه مشتاقی زنوز نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی مقابله‌ای گزارش‌های روزنامه‌های ایران و انگلیس درباره برنامه هسته‌ای ایران» (۲۰۰۸) به بررسی نحوه ارائه مطبوعات ایران و انگلیس از این برنامه برای خوانندگان خود، پیرو الگوهای مختلف اجتماعی - سیاسی خود، می‌پردازند. برای انجام مقایسه، گروه‌های متشکل از گزارش‌های برجسته ایران نوک در ایران دیلی، کیهان، گاردین و تلگراف در سال ۲۰۰۴ از نظر سیستم انتقال‌پذیری و تفسیر تحت چارچوب فرکلاف موردبررسی قرار گرفت. مقالات تمایل داشتند که «ایران» را به‌عنوان اصلی‌ترین شرکت‌کننده ترسیم کند و بیشتر در مقاله‌های انگلیس به‌عنوان یک انحراف اجتماعی به تصویر کشیده می‌شد. محمدمحسن حمیدی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی، ذهنیت‌سازی و پرونده هسته‌ای ایران» بر این باور است که ایستادن دولت احمدی‌نژاد برای دنبال کردن برنامه هسته‌ای خود، در کنار بکارگیری ظرافت‌های دیپلماتیک دولت خاتمی با پوشاندن کاستی‌های آن می‌تواند کارآمد باشد. محمدرضا حق‌شناس (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «رهیافت سازه‌انگاری در پرونده

هسته‌ای و روابط ایران و اروپا» بر این باور است که رویکرد اتحادیه اروپا در مدیریت بحران هسته‌ای ایران در راستای نگرانی‌ها و راهکارهای امنیتی تازه که همان تبدیل نظام بین‌الملل یک‌جانبه‌گرا به چندجانبه‌گرا است، قرار می‌گیرد. همچنین اختلافات هویتی (تفاوت در ارزش‌ها، اصول، هنجارهای سیاسی و اجتماعی) میان ایران با غرب مهم‌ترین عامل اثرگذار بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا در برابر ایران به‌ویژه موضوع هسته‌ای بوده است. از آنجاکه از دید سازه‌انگاران، کنشگران بر پایه هنجارها، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌کنند این اختلاف هویتی موضوع محوری در این مقاله است. هرچند که بخشی از پژوهش‌های موجود با تأکید بر مؤلفه‌های هویتی به تحلیل مذاکرات هسته‌ای پرداخته‌اند، اما در اینجا جای خالی بررسی دیپلماسی رسانه‌ای در خصوص مذاکرات هسته‌ای احساس می‌شود. این پژوهش با توجه به اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجی و همچنین با توجه به خلأ پژوهشی موجود در این زمینه، به بررسی هویت‌گروهی بازسازی‌شده از اعضای ۵+۱، طرف مذاکرات هسته‌ای ایران، در روزنامه «ایران» در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پرداخته است.

از این رو، رویکردهای روزنامه ایران به‌عنوان روزنامه رسمی دولت در قبال پرونده هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و سعی می‌شود تا نحوه برسازی هویت‌گروهی ۵+۱، از چشم‌انداز روزنامه ایران در دوره‌های مختلف تحلیل گردد. سؤال تحقیق به این صورت مطرح می‌شود: «هویت‌سازی رسانه‌ای روزنامه ایران در خصوص هویت‌گروهی اعضای ۵+۱ در سال‌های ۹۲-۸۲، از چه مشخصه‌هایی برخوردار است؟» برای پاسخ به سؤال مذکور از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. روند بررسی موضوع تحقیق به این صورت است که ابتدا مبانی نظری تحقیق که نظریه سازه‌انگاری است را بیان می‌کنیم، در ادامه روش تحقیق و نحوه بکارگیری آن در این تحقیق را بیان و سپس به پشتوانه آن به تحلیل موضوع پژوهش می‌پردازیم و در نهایت نتیجه تحقیق را بیان می‌کنیم.

### مبانی نظری پژوهش

نظریه سازه‌انگاری بین نظریات روابط بین‌الملل حدفاصل نظریات تبیینی<sup>۱</sup> و تأسیسی<sup>۲</sup> قرار می‌گیرد. نظریه‌های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولت‌ها هستند که بر این اساس روابط میان دولت‌ها را به‌عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی می‌کند. در مقابل، نظریه‌های تأسیسی قائل به این امر هستند که واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجادشده شکل می‌گیرند. نظریه سازه‌انگاری از این رو راهی میانه برای مطالعه واقعیت‌ها،

1. Explanatory theory  
2. Constitutive theories

پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی برمی‌گزینند. سازه‌انگاری از حیث هستی‌شناسی از «معناگرایی<sup>۱</sup>» در مقابل «ماده‌گرایی<sup>۲</sup>» و از «ذهنیت‌گرایی<sup>۳</sup>» در مقابل «عینیت‌گرایی<sup>۴</sup>» دفاع می‌کند. از این منظر، سازه‌انگاری به وجود مستقل جهان از ذهن انسانی (واقع‌گرایی) باور ندارد. از منظر معرفت‌شناسانه نیز این دیدگاه امکان دستیابی به حقیقت عینی، ذاتی و از پیش تعیین‌شده را باور نمی‌کند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

سازه‌انگاران به‌رغم طیف‌بندی‌های مختلف و برخی اختلاف‌نظرها و تفاوت‌ها، در سه گزاره اصلی هستی‌شناختی در مورد حیات اجتماعی اتفاق‌نظر دارند. اولاً، سازه‌انگاران در مورد این موضوع که ساختارها به رفتار کنشگران اجتماعی و سیاسی، اعم از افراد یا دولت‌ها، شکل می‌دهند، معتقدند که ساختارهای هنجاری یا فکری به‌اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند. ثانیاً، استدلال سازه‌انگاران این است که چون هویت‌ها الهام‌بخش منافع و در نتیجه، کنش‌ها هستند، فهم اینکه چگونه ساختارهای غیرمادی هویت‌های کنشگران را مشروط می‌کنند، اهمیت دارد. ثالثاً، سازه‌انگاران ادعا می‌کنند که کارگزاران و ساختارها به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۸۶-۲۸۴).

### سازه‌انگاری و مقوله هویت

سازه‌انگاری رویکردی است که ماهیت و هویت را ساخته و پرداخته تاریخی می‌بیند. هر هویت امر تاریخی، زمان‌مند و مکان‌مند است که در بستر زمانی و مکانی خاصی شکل می‌گیرد. این رویکرد دارای چهار ویژگی اساسی است:

۱. واکنش نسبت به طبیعی بودن مفاهیم و ایده‌های تاریخی. این‌ها بر این عقیده‌اند که تمایزها و تفاوت‌ها برساخته اجتماعی است نه امر طبیعی؛
۲. مفاهیم و نشانه‌ها جنبه خاص تاریخی و فرهنگی دارد؛ بنابراین محصول ساختار اقتصادی و اجتماعی است؛
۳. تداوم دانش بشری جنبه اجتماعی دارد، بدین معنا که معیار صدق و کذب گزاره‌ها مشاهده و آزمون عینی نیست بلکه زاینده فراگردهای اجتماعی مستمر بین افراد است؛
۴. بین دانش و کنش اجتماعی نسبتی وجود دارد؛ هر سازه‌ای اجتماعی، نوع خاصی از کنش را می‌طلبد (تاجیک، ۱۳۸۳).

- 
1. Ideationalism
  2. Materialism
  3. Subjectivism
  4. Objectivism

در این رویکرد هویت مستمر و پایدار است. زمان و مکان به‌عنوان منابع سازنده هویت تلقی می‌شود، زیرا شناسایی یک‌چیز بدان معناست که آن‌را در چارچوب زمان و مکان جای دهیم. اهمیت زمان در هویت‌یابی از آن‌رو است که هویت تداوم دارد و زمان حکایت دائمی و مستمری از هویت گذشته را به حال و آینده منتقل می‌کند. تداوم اجتماعی بر معنادار بودن گذشته تأکید دارد. گذشته منبع مهمی است که در تفسیر اینجا-اکنون و در پیش‌بینی آینده باید به آن رجوع کرد. گذشته به‌طور فردی در خاطره و به‌طور جمعی در تاریخ جلوه می‌کند. با این حال هیچ‌کدام حقیقی نیستند و هر دو اساساً برساخته و دو وجه مهم هویت‌اند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۷). برساخته‌گرایی بر ماهیت اجتماعی و رابطه‌ای هویت بر «خود» در مقابل «دیگری» تأکید می‌نماید (Cerulo, 1997: 387). آنتونی گیدنز با طرح مفهوم «بازتابندگی»<sup>۱</sup>، هویت فردی را تصویر بازتابی از خودفهمی‌های خویشتن در ارتباط با دیگری می‌داند که به‌طور روزمره و مستمر ایجاد می‌شود و ناشی از یک ماهیت بین‌ذهنی زندگی اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۶).

### چگونگی شکل‌گیری هویت و ماهیت وجودی آن

هویت، در کانون نظریه سازه‌انگاری قرار دارد. الکساندر ونت<sup>۲</sup> در کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»<sup>۳</sup> در مورد مفهوم هویت معتقد است که هویت عبارت است از آنچه چیزی به آنچه که هست مبدل می‌کند. وی اذعان می‌کند که هویت، خصوصیتی در کنشگران نیت‌مند است که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است؛ بنابراین، هویت در اساس یک ویژگی ذهنی است که ریشه در فهم کنشگر از خود دارد (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶) و در چارچوب یک جهان خاص که به‌طور اجتماعی ساخته شده، معنا پیدا می‌کند. (Berger, 1966: 111) البته معنای این فهم وابسته به این است که آیا کنشگران (دیگران)، کنشگر را به همان شکل بازنمایی می‌کنند یا نه. در این محدوده هویت واجد یک ویژگی بین‌ذهنی و نظام محور است و هم‌زمان دو انگاره وارد فرایند هویت‌سازی می‌شود: انگاره‌های خود و انگاره‌های دیگری. بر این اساس انگاره‌های بیرونی و درونی هر دو به هویت‌ها قوام می‌بخشند. البته سرشت این رابطه در شرایط مختلف متفاوت است و این نشان‌دهنده این است که هویت پدیده یکپارچه‌ای نیست که بتوان تعریفی عام از آن ارائه داد، بلکه درواقع انواع مختلفی از هویت وجود دارد که کاملاً با یکدیگر سازگار نیستند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

1. Reflexivity

2. Alexander Wendt

3. Social Theory of International Politics

الکساندر ونت در زمینه چگونگی ساخته شدن هویت‌های گوناگون، آن‌ها را از منظر تعامل‌گرایی نمادین می‌نگرد که هویت کنشگران از طریق فرایند علامت‌دهی، تغییر و پاسخ صورت می‌گیرد. (Wendt, 1992: 44 & Zehfuss, 2001: 320) بر اساس عقیده ونت در ابتدا کنشگر بر اساس سابقه‌ای که در ذهن خویش دارد، وارد تعامل می‌گردد و نسبت به انگاره‌هایی که نسبت به تعامل جنبه برون‌زا دارد، یک نقش را به خود و نقشی را به دیگری نسبت می‌دهد که این جنبه شامل «نقش‌پذیری خود و قالب‌بندی دیگری است» (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۷). لذا، مردم و دولت‌ها نسبت به چیزها از جمله دیگر کنشگران، بر پایه معنایی که آن چیزها برایشان دارد، عمل می‌کنند و این بستگی به درک‌ها و انتظارات بین‌الذنهانی<sup>۱</sup> در مورد «توزیع شناختی» دارد که به ادراکات آن‌ها از خود و دیگری شکل می‌دهد؛ بنابراین، این معناهای جمعی است که ساختارهای نظم‌بخشیده به اعمال ما را شکل می‌دهند. در واقع کنشگران هویت را با سهم شدن در چنین معناهای جمعی کسب می‌کنند. (ونت، ۱۳۸۵: ۳۶) این معناهای جمعی و شناخت مشترک، به اعتقاد ونت در فرایند تعامل شکل می‌گیرد و به‌طور هم‌زمان به هویت و منافع آن‌ها که از این منظر ذاتاً اموری رابطه‌ای، برساخته و بین‌الذنهانی هستند، شکل و قوام می‌بخشد.

هویت‌های اجتماعی برداشت‌های خاصی تولید می‌کنند و به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند. اینکه «خود» خود را دوست، رقیب یا دشمن «دیگری» بدانند، تفاوت زیادی در تعامل میان آن‌ها ایجاد خواهد کرد (Wendt, 1999: 384-396). هویت به‌عنوان خصوصیت کنشگران بین‌المللی، گرایش‌های انگیزشی و رفتاری آن‌ها را به وجود می‌آورد. به عقیده ونت، هویت از طریق تکرار فرایندهای تعامل، هویت‌ها و انتظارات در مورد همدیگر تثبیت شده و گسترش می‌یابند؛ بنابراین، بازیگران و کنشگران، ساختارهای اجتماعی را می‌سازند و حفظ می‌نمایند که در نتیجه این ساختارها دایره انتخاب‌ها را محدود می‌کنند (Zehfuss, 2001: 321). به نظر ونت، هنگامی که این ساختارها و منافع و هویت‌ها ایجاد گردید، به‌راحتی تغییر نمی‌یابند چراکه سیستم اجتماعی برای بازیگران و کنشگران به یک حقیقت عینی تبدیل می‌گردند. از طرفی کنشگران خود ممکن است که به خاطر عوامل بیرونی فرد مثل محرک‌ها و مشوق‌های ارسال شده از طرف نهادهای تثبیت شده یا محدودیت‌های درونی فرد همچون تعهد به هویت‌های تثبیت شده، در ثابت ماندن هویت‌ها نقش داشته باشند (Zehfuss, 2001: 332). این بدان معنا نیست که هویت‌ها و سرشت تعاملات و روابط میان آن‌ها ثابت و لایتغیر باقی می‌ماند.



### هویت و الگوهای دوستی، دشمنی و رقابت

هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام نمایند و واقعیتی سلسله‌مراتبی بسازند که بر اساس «خود»، «دگری» و دوست و دشمن تعریف شده است. (پرایس و رئوس اسمیت، ۱۳۸۶: ۴۵۳-۴۵۶) این جهان ساخته‌شده که دارای دلالت‌های ارزشی است، اقدامات آن‌ها را نیز شکل می‌دهند. دولت‌ها نیز که برساخته‌هایی اجتماعی هستند، دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها، تهدیدات را تعریف می‌کنند و کنش‌های خارجی خود را شکل می‌دهند. در سایه این تعاریف است که کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن، رقیب یا بی‌طرف دسته‌بندی می‌شوند و کنش‌های آن‌ها به‌عنوان تهدید یا دوستانه تلقی خواهند شد. (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۰) ونت به پیروی از هدلی بول و مارتین وایت درک و فهم منازعه یا همکاری در روابط بین‌الملل را در قالب سه فرهنگ که هر یک منطق و گرایش ویژه دارد، قرار می‌دهد: فرهنگ هابزی، فرهنگ لاک‌ی و فرهنگ کانتی. اگرچه ممکن است که این فرهنگ‌ها تحت تأثیر فرهنگ‌هایی در سطح داخلی یا فراملی باشند، اما در مجموع بر محور نظام دولت‌ها هستند. در قلب هر آنارشی، تنها یک موضع سوژگی وجود دارد: در فرهنگ هابزی «دشمن»، در فرهنگ لاک‌ی «رقیب» و در فرهنگ کانتی «دوست». هر یک از وضعیت‌ها متضمن حالت یا سمت‌گیری خاص خود نسبت به دیگری از نظر کاربرد خشونت است. حالت دشمنان، حالت متخاصمان تهدیدگری است که حدودمرزی در خشونت علیه یکدیگر نمی‌شناسند؛ حالت رقبا، حالت رقیبانی که از خشونت علیه یکدیگر استفاده می‌کنند اما از کشتن یکدیگر خودداری می‌کنند و حالت دوستان حالت متحدانی است که از خشونت برای حل و فصل اختلافات خود استفاده نمی‌کنند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۷۶-۳۷۵). لذا، پاسخ به این پرسش که چرا دولت‌ها به شکل تضادآمیز و یا احياناً همکاری‌جویانه در قبال یکدیگر رفتار می‌کنند و یکدیگر را دشمن، رقیب یا دوست تلقی می‌کنند برگرفته از کردارهای اجتماعی است که به‌واسطه آن به تعریف خود و دیگری می‌پردازند. بر این اساس است که ونت ادعا می‌کند «آنارشی چیزی است که دولت‌ها از آن می‌فهمند یا آن را می‌سازند» (دانش‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

از دیدگاه الکساندر ونت، هویت دولت‌ها تعیین‌کننده سیاست خارجی آن‌ها است. به اعتقاد وی، هرکدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل به‌مانند افراد در جامعه داخلی، نوعی هویت دارند که به رفتار آن‌ها در نظام بین‌الملل شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل‌گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است؛ بنابراین هویت بازیگران در نظام بین‌الملل به‌صورت

عام و در مذاکرات شکل گرفته به صورت خاص، امری برساختی است که در این پژوهش به دنبال بازشناسی این هویت در «روزنامه ایران» هستیم.

### روش پژوهش

جامعه آماری و نمونه: جامعه آماری ما در این پژوهش آرشیو روزنامه ایران در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ است. در این تحقیق، به منظور یافتن نتایج دقیق‌تر و قابل استناد و همچنین با توجه به در اختیار داشتن زمان کافی برای بررسی کلیه جامعه آماری، از نمونه‌گیری اجتناب شده است.

این پژوهش اول اینکه از نوع توصیفی است. در تحقیق توصیفی در پی توصیف عینی منظم و واقعی خصوصیات یک موضوع هستیم و قصد هیچ‌گونه دخالت و استنتاج ذهنی از داده‌ها را نداریم، بلکه قصد نشان دادن وضعیت موجود است. (دلوری، ۱۳۸۰) منظور اینک ما در این پژوهش در پی توصیف خصوصیات موضوع تحقیق (هویت +۵ در مذاکرات هسته‌ای) در متن روزنامه ایران هستیم. از طرف دیگر و در مرحله دوم ما می‌خواهیم با توجه به توصیفی که از عینیت موضوع ارائه داده‌ایم به تحلیل در این زمینه پردازیم؛ بنابراین تحلیلی نیز است.

روشی که برای پیشبرد تحقیق حاضر به کار گرفته شده است، تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه، اسناد رسمی و ... به کار بست. واژه‌هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخ‌گو به کار می‌برد، بسامد آن‌ها، وجه آرایش آن‌ها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منبع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آن‌ها محقق می‌کوشد به شناختی دست یابد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶: ۲۳۷). کلوکس کریپندورف تحلیل محتوا را «تکنیک پژوهشی استنباط معتبر از متن» تعریف می‌کند. (کریپندورف، ۱۳۹۰: ۹-۲۹) بکارگیری روش تحلیل محتوا شامل مراحل است که در آن ابتدا متن خود را تعیین و تعریف می‌کنیم. این مرحله همان تعیین جامعه آماری است. در اینجا متن ما به عنوان مطالب روزنامه ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ انتخاب می‌شود. در مرحله بعد، آن ویژگی‌هایی را که در متن می‌خواهیم جستجو کنیم، مشخص می‌کنیم. به عبارت دیگر متغیرهایی را که در متن می‌خواهیم شناسایی کنیم، (که می‌تواند شامل واژه، عبارت و ... باشد) را مشخص می‌کنیم. این مرحله را می‌توان مترادف با تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن مفاهیم دانست (میسایی، ۱۳۹۳: ۵۳). در پژوهش پیش‌رو مفاهیم را به مدد نظریه سازه‌انگاری که آن را به عنوان مبنای نظری پژوهش خود انتخاب، استخراج کردیم. بدین ترتیب سه مفهوم «دوست»، «دشمن» و «رقیب» را به عنوان مفاهیمی که

در متن موردنظرمان درصدد شناسایی آن‌ها هستیم، مشخص کرده‌ایم. برای شناسایی بهتر مفاهیم مذکور سعی بر شاخص‌سازی و عملیاتی کردن آن‌ها کردیم که جدول شماره ۱ به‌عنوان شاخص‌های این مفاهیم شکل گرفت.

جدول ۱. مفاهیم و شاخص‌ها

مفاهیم	شاخص‌ها
دوست	مخالفت با تحریم
	تشویق طرفین به مذاکره (تأکید بر دیپلماسی)
	اذعان به امکان حل بحران
	پذیرش حقوق هسته‌ای ایران (به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران)
	نفی‌گزینه نظامی در مسأله هسته‌ای ایران
	تأکید بر حل مسأله ایران در آژانس و عدم ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت
	اقرار به عدم وجود شواهد مبنی بر ساخت بمب اتم در ایران
	همکاری هسته‌ای با ایران
دشمن	اعتماد به برنامه هسته‌ای ایران
	طرفداری از تحریم ایران
	اذعان به بی‌نتیجه بودن مذاکرات
	حمله نظامی به ایران (تهدید ایران)
	تعطیلی و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران
	اعمال فشار بر کشورهای موافق ایران
	تصویب قطعنامه علیه ایران
	مذاکرات تصنعی با ایران
	نگرانی از غنی‌سازی در ایران
	پیش‌شرط تعلیق برای انجام مذاکرات هسته‌ای با ایران
استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران	
رقیب	تهدید ایران
	ممانعت از قدرت گرفتن ایران
	مذاکره با ایران، توأم با فشار شورای امنیت
	تمایل به شراکت در مراکز هسته‌ای ایران
	اعطای بسته‌های پیشنهادی به ایران
	محدود کردن ایران در سیاست‌های منطقه‌ای
	عدم راهیابی ایران برای مدیریت جهانی
ممانعت از ورود ایران به باشگاه هسته‌ای	

بعد از طی مراحل بالا، اکنون باید واحد زمینه را انتخاب کنیم. به عبارت دیگر باید واحدی را که ما در آن در جستجوی شاخص‌های مشخص شده هستیم، مشخص شود. در اینجا ما به منظور افزایش دقت کار هر عنوان مطلب مرتبط با موضوع تحقیق را به مثابه یک واحد زمینه انتخاب و محسوب کردیم و در آن به بررسی و جستجوی شاخص‌های مورد نظر پرداختیم. در مرحله بعد مطالب مورد نظر مشخص و نشانه‌گذاری شدند. بعد از مشخص شدن مطالب مورد نظر به مرحله تحلیل آن‌ها می‌رسیم. در این مرحله نشانه‌گذاری‌هایی را که به اشکال مختلف انجام داده‌ایم، شمارش می‌کنیم و در دسته‌های مختلف مشخص می‌کنیم. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها آن‌ها را در دسته‌بندی‌های متعددی جای داده‌ایم. در ابتدا، با توجه به اینکه علت انتخاب روزنامه ایران برای این پژوهش، دولتی بودن این روزنامه است و می‌توان برداشتهای این روزنامه را، دیدگاه‌های دولت ایران دانست، بر همین اساس، این بررسی‌ها بر مبنای تغییر دولت‌ها، به دو دوره زمانی تقسیم شده است. به این ترتیب سال‌های ۸۴-۸۲ در قالب دولت محمد خاتمی و سال‌های ۹۲-۸۴ در قالب دو دولت محمود احمدی‌نژاد تفکیک شده است. بعد از تقسیم‌بندی تاریخی دوره تحقیق، به بررسی هویت‌های گروهی اعضای ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای، با توجه به متن روزنامه ایران می‌پردازیم. در اینجا ما چند تقسیم‌بندی را در مورد کشورهای ۵+۱ انجام داده‌ایم. ابتدا آن‌ها را به صورت کلی و همان گروه ۵+۱ در نظر گرفته‌ایم که می‌توان از آن به عنوان «قدرت‌های جهانی» یا «نمایندگان جامعه بین‌المللی» نیز یاد کرد. در تقسیم‌بندی دوم، این کشورها را به دو گروه غربی (شامل کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان) و شرقی (شامل کشور چین و روسیه) تقسیم کرده‌ایم. تقسیم‌بندی سومی که در مورد این کشورها اعمال شده، آن‌ها را به دو گروه اروپایی (شامل کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان) و کشورهای دیگر را در گروه غیراروپایی (شامل کشورهای آمریکا، روسیه و چین) قرار داده است. در نهایت، تقسیم‌بندی آخری که از این کشورها انجام شده، آن‌ها را به دو گروه اعضای دارای حق وتو در شورای امنیت (شامل کشورهای آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلیس) و در طرف مقابل کشورهای بدون حق وتو در شورای امنیت (شامل کشور آلمان) تقسیم کرده است. نکته‌ای را که باید در مورد این تقسیم‌بندی‌ها در نظر گرفت این است که این تقسیم‌بندی‌ها برساخته‌های هویتی هستند که محقق مفهوم‌سازی کرده و در متن روزنامه ایران به جستجوی آن‌ها می‌پردازد و لزوماً به معنای وجود خارجی این گروه‌ها در دنیای خارج نیست. برای مثال در عالم واقع گروه شرق متشکل از کشور روسیه و چین که به صورت رسمی شکل گرفته باشد، وجود ندارد. ضمن اینکه این موضوع لزوماً نافی وجود خارجی برخی از این گروه‌ها نیست. برای مثال انگلیس، فرانسه و آلمان به عنوان گروه اروپایی در عالم واقع نیز وجود دارد. بدین ترتیب با توجه به این هویت‌های گروهی اعضای ۵+۱، صفحات قبلاً

ذکر شده روزنامه ایران در فاصله سال‌های ۹۲-۸۲ که مقالات و گزارش‌هایی در خصوص روند مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ داشته، بررسی شده و شاخص‌هایی که در این مقالات و گزارش‌ها در قالب سه هویت «دوستی، رقابت و دشمنی» مطرح شده، استخراج گردیده است.

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت با توجه به بررسی‌هایی که به واسطه شاخص‌سازی‌ها در متن روزنامه ایران انجام دادیم، به بررسی هویت‌های گروهی اعضای ۵+۱ در مذاکره هسته‌ای با ایران طی دوره زمانی موردنظر (۱۳۹۲-۱۳۸۲)، می‌پردازیم. با توجه به این‌که دوره زمانی موردبررسی ما مقارن با سال‌های پایانی دولت محمد خاتمی و دو دوره دولت احمدی‌نژاد است در اینجا این بررسی را در ظرف زمانی دولت‌های موردنظر انجام می‌دهیم.

### هویت گروهی اعضای ۵+۱ در روزنامه ایران در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ (دوران ریاست جمهوری خاتمی)

در این دوره تاریخی (۱۳۸۲-۱۳۸۴) تنها یک مورد دلالت‌گر که بر هویت گروهی قدرت‌های جهانی اشاره کند پیدا شد و آن‌هم بر دشمنی هویت این گروه اشاره دارد. به‌احتمال‌زیاد یکی از دلایل کم‌رنگ بودن پرداختن به هویت این گروه در این دوره زمانی این بوده که در این دوره، گروه ۵+۱ هنوز در مقابل موضوع هسته‌ای ایران شکل نگرفته بود و طرف مذاکره با ایران فقط سه کشور اروپایی بودند. با بررسی متن روزنامه ایران در این دوره تاریخی (۱۳۸۲-۱۳۸۴) مشخص شد که دلالت‌گری که گروه غربی (مشکل از کشورهای آلمان، انگلیس، فرانسه و آمریکا) را مورد خطاب قرار دهد، یافت نشد؛ اما در مقابل دلالت‌گرهایی که بر گروه شرق (اشاره به کشورهای روسیه و چین به‌صورت یک گروه واحد که دیدگاه مشترکی هم دارند) دلالت دارند، در این دوره زمانی در متن مشاهده می‌شود. همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، این دلالت‌گرها در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ ۳ عدد هستند و همگی آن‌ها بر دوستی و همراهی این گروه با ایران در مذاکرات هسته‌ای اشاره دارند.

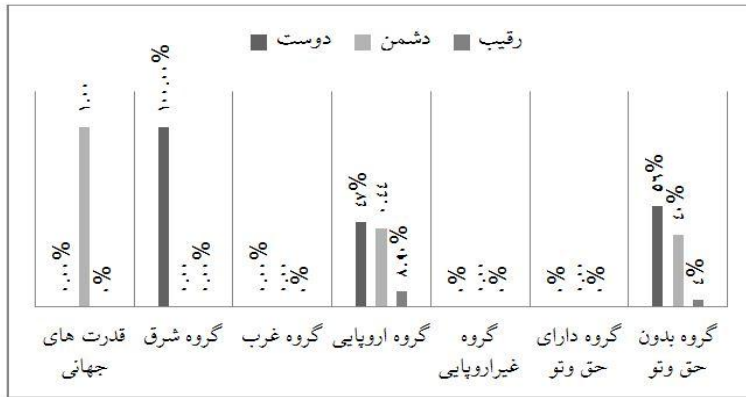
در رابطه با گروه کشورهای غیراروپایی عضو ۵+۱ (شامل روسیه، چین و آمریکا) باید گفت که هیچ نشانه‌ای که در آن این کشورها را به‌عنوان یک گروه که دارای دیدگاه مشترکی در مورد موضوع هسته‌ای ایران هستند، یافت نشد. به‌عبارت‌دیگر متن موردبررسی هیچ جایگاهی برای کشورهای غیراروپایی به‌عنوان یک گروه هم‌رأی قائل نیست. دلیلی را که با به بررسی تاریخ مذاکرات هسته‌ای، برای این موضوع می‌توان مطرح کرد این است که در این دوره تاریخی اساساً این گروه نقشی در مذاکره با ایران نداشت. هرچند با ادامه روند پژوهش می‌توان دلیل محکم‌تری را ارائه داد که در جمع‌بندی نهایی به آن می‌پردازیم؛ اما برعکس، کشورهای

اروپایی در مواردی به‌عنوان یک گروه هم‌نظر و دارای دیدگاه مشترک مطرح شده‌اند که با بررسی تاریخ مذاکرات هسته‌ای در این دوره زمانی نیز شاهد مذاکره سه کشور اروپایی با ایران هستیم و بیانیه‌های پاریس و سعدآباد حاصل همین مذاکرات بود. در مجموع در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، ۹۱ دالت‌گر بر هویت گروه اروپایی اعضای ۱+۵ اشاره دارد که ۴۳ مورد آن بر هویت دوستی، ۴۰ مورد بر هویت دشمنی و در نهایت ۸ مورد بر رقیب بودن این گروه اشاره دارد.

آخرین هویت‌های گروهی که در دوره تاریخی ۱۳۸۴-۱۳۸۲ باید مورد بررسی قرار گیرد، هویت گروهی کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت (شامل کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین) در مقابل هویت گروهی کشورهای بدون حق وتو در شورای امنیت (شامل کشور آلمان) است. در بررسی‌هایی که انجام شد، مشخص شد متن تحقیق به کشورهای دارای حق وتو به‌عنوان یک گروه که دارای گرایش فکری واحد در مورد موضوع تحقیق (مذاکرات هسته‌ای) باشند، اشاره‌ای نداشته است و برای آن‌ها شأن گروهی قائل نبوده است. در مقابل، گروه بدون حق وتو (شامل کشور آلمان) در این دوره تاریخی بارها مورد خطاب قرار گرفته است. در مجموع ۲۵ مورد دالت‌گر در رابطه با هویت کشور آلمان، به‌عنوان گروه کشورهای بدون حق وتو در شورای امنیت، یافت شده است که ۱۴ مورد آن بر هویت دوستی این کشور، ۱۰ مورد بر هویت دشمنی و در آخر ۱ مورد بر رقیب بودن هویت این کشور اشاره دارد. این وضعیت را به‌خوبی می‌توان در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱ دید.

جدول ۲. هویت گروهی اعضای ۵+۱ (۱۳۸۲-۱۳۸۴)

مجموع	دوست		دشمن		رقیب		مجموع	دوست		دشمن		رقیب		مجموع
	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی		درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵	-	۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۴۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۵۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
بدون ح-وتو	غیر اروپایی	شرقی	غیر اروپایی	شرقی	غیر اروپایی	شرقی	غیر اروپایی	شرقی	غیر اروپایی	شرقی	غیر اروپایی	شرقی	غیر اروپایی	شرقی
-	۱۰۰	-	۱۰۰	-	۸۰/۹	-	۱۰۰	-	۸۰/۹	-	۱۰۰	-	۸۰/۹	-
-	۹۱	-	۹۱	-	۸	-	۹۱	-	۸	-	۴۳/۹	-	۴۳/۹	-
-	۸	-	۸	-	۴۰	-	۸	-	۴۰	-	۴۷/۲	-	۴۷/۲	-
-	۴۳/۹	-	۴۳/۹	-	۴۳	-	۴۳/۹	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-
-	۴۰	-	۴۰	-	۴۳	-	۴۰	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-
-	۴۷/۲	-	۴۷/۲	-	۴۳	-	۴۷/۲	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-
-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-	۴۳	-
دارای ح-وتو	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی
قدرت‌های جهانی	غربی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی	اروپایی	غربی



نمودار ۱. مقایسه هویت گروهی کشورهای ۵+۱ (۱۳۸۲-۱۳۸۴)

### هویت گروهی اعضای ۵+۱ در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد

همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، محمود احمدی نژاد در دو دوره متوالی پست ریاست جمهوری را بر عهده داشت. با توجه به این موضوع این دوره هشت‌ساله تحقیق را در دو دوره چهارساله مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### هویت گروهی اعضای ۵+۱ در دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

ابتدا به بررسی آمار به‌دست‌آمده از هویت گروه قدرت‌های جهانی می‌پردازیم. در مجموع در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸ به‌طور کلی ۳۶ مورد مرتبط با هویت گروه قدرت‌های جهانی یافت شد که ۱۸ مورد آن‌ها بر هویت دوستی، ۱۵ مورد بر هویت دشمنی و درنهایت ۳ مورد نیز بر هویت رقیب بودن این گروه دلالت داشتند. در رابطه با گروه کشورهای غربی باید گفت، در مجموع در این دوره تاریخی از کل ۳۵ مورد مرتبط با هویت گروه مذکور، ۳۳ مورد بر هویت دشمنی، ۱ مورد بر هویت دوستی و درنهایت ۱ مورد دیگر بر هویت رقیب بودن این گروه اشاره می‌کرد. در مقابل گروه غربی، در طول دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ در کل ۶۵ مورد بر هویت گروه شرق اشاره دارند که همگی آن‌ها به‌اتفاق بر هویت دوستی این گروه تأکید دارند. این هویت‌سازی متأثر از سیاست نگاه به شرق بوده است که در این دوره به‌صورت جدی در دستور کار دولت قرار گرفت؛ اما بعدها در فرایند رأی‌گیری قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران، نادرستی این طرز فکر روشن شد.

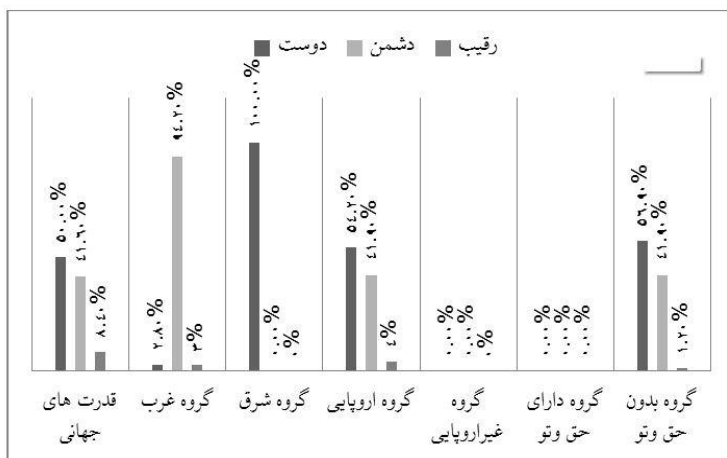


با توجه به بررسی‌هایی که در متن انجام شده است، در مورد هویت گروه غیراروپایی در دوره تاریخی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) می‌توان گفت که این گروه به‌عنوان مجموعه‌ای از اعضا که دارای دیدگاه مشترکی باشند، هیچ‌گاه در متن موردبررسی ما یافت نشد؛ اما در مقابل به گروه اروپایی بارها در متن موردبررسی ما اشاره شده است. در مجموع در این دوره تاریخی ۱۰۵ مورد مرتبط با هویت گروه اروپایی یافت شده که ۵۷ مورد بر هویت دوستی، ۴۴ مورد بر هویت دشمنی و در نهایت ۴ مورد بر هویت رقیب بودن این گروه اشاره داشتند.

همانند دوره تاریخی ۱۳۸۴-۱۳۸۲ در این دوره تاریخی نیز، دلالت‌گری که به کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت به‌عنوان یک گروه که دارای دیدگاهی مشترک در مورد مسأله‌ای خاص باشند، اشاره داشته باشد، یافت نشد. شاید دلیل این امر وجود اختلاف نظر شدید بین آن‌ها در مورد مسأله هسته‌ای ایران بوده است. به‌نحوی که وجود یک خط‌مشی مشترک در بین این کشورهای دارای حق وتو را منتفی می‌ساخت. در یک‌طرف این قضیه روسیه و چین قرار داشتند که دیدگاه آن‌ها با اعضای دیگر گروه یعنی اتحادیه اروپا و آمریکا، به‌عنوان طرف دیگر، متفاوت بود؛ اما گروه کشورهای بدون حق وتو در شورای امنیت که شامل کشور آلمان می‌شود، در متن موردبررسی بارها مورد خطاب قرار گرفته است. در مجموع در این دوره تاریخی از کل ۹۳ دلالت‌گر مرتبط با هویت گروه کشورهای بدون حق وتو، ۵۳ مورد بر هویت دوستی، ۳۹ مورد بر هویت دشمنی و ۱ مورد بر هویت رقیب بودن این گروه تأکید داشتند. این وضعیت در نمودار شماره ۲ نیز نمایش داده شده است.

جدول ۳. هویت گروهی اعضای ۵+۱ (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

مجموع		دوست		دشمن		رقیب		مجموع		دوست		دشمن		رقیب		مجموع		دوست		دشمن		رقیب		مجموع							
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی						
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-						
۱۰۰	۶۵	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۶۵	شرقی	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۳۵	۲/۸	۱	۹۴/۲	۳۳	۲/۸	۱						
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	غیراروپایی	۱۰۰	۱۰۵	۳/۹	۴	۴۱/۹	۴۴	۵۴/۲	۵۷	-	-	-	-	-	-	-						
۱۰۰	۹۳	۱/۲	۱	۴۱/۹	۳۹	۵۶/۹	۵۳	-	-	بدون ح-وتو	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-						
قدرت‌های جهانی		غربی		اروپایی		دارای ح-وتو		بدون ح-وتو		غیراروپایی		شرقی		غیراروپایی		اروپایی		بدون ح-وتو		غیراروپایی		شرقی		غیراروپایی		اروپایی		دارای ح-وتو		بدون ح-وتو	



نمودار ۲. مقایسه هویت گروهی کشورهای ۵+۱ (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

### بررسی هویت گروهی اعضای ۵+۱ در دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

در مجموع در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲ از کل ۴۳ مورد مرتبط با هویت گروه قدرت‌های جهانی ۱۸ مورد بر هویت دوستی، ۱۱ مورد بر هویت دشمنی و در نهایت ۱۴ مورد نیز بر رقیب بودن این گروه تأکید دارند. نکته قابل توجه این است که تأکید بر هویت دوستی، بیشتر از هویت دشمنی در این دوره زمانی در حالی صورت می‌گیرد که شاهد اوج گرفتن قطعنامه‌های تحریمی ۵+۱ علیه ایران هستیم.

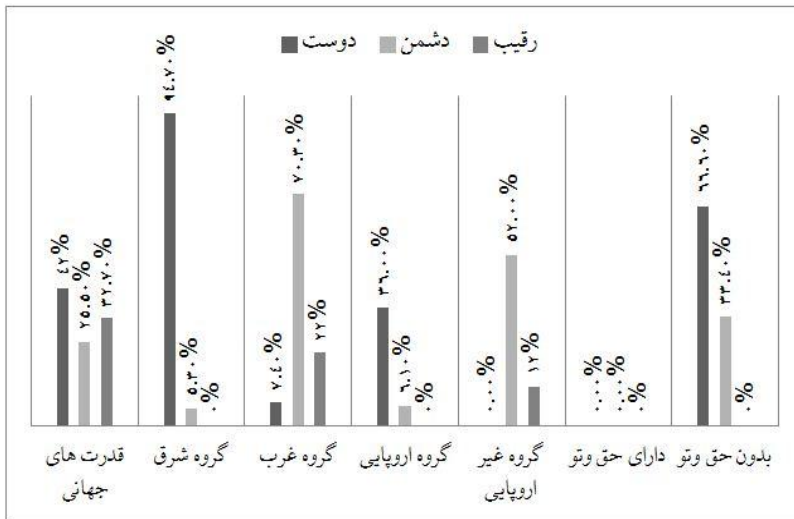
همان‌طور که جدول ذیل نشان می‌دهد، هویت غربی و شرقی در مورد موضوع تحقیق (مذاکرات هسته‌ای ایران) دقیقاً در تقابل با همدیگر قرار دارند. به این ترتیب که هویت گروه غربی در سال‌های مورد بررسی در این دوره تاریخی، اکثریت غالب از نوع هویت دشمنی بوده است. به نحوی که در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲ از کل ۲۷ مورد مرتبط با هویت گروه غربی ۱۹ مورد بر هویت دشمنی، ۲ مورد بر هویت دوستی و ۶ مورد بر هویت رقیب بودن این گروه تأکید دارند. در مقابل، همان‌طور که جدول ذیل نشان می‌دهد، هویت گروه شرقی در سال‌های مورد بررسی در این دوره تاریخی، اکثریت غالب از نوع هویت دوستی بوده است. به نحوی که در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲ از کل ۱۹ مورد مرتبط با هویت گروه غربی ۱۸ مورد بر هویت دوستی و ۱ مورد بر هویت دشمنی این گروه تأکید دارند.

در این دوره تاریخی نیز به‌مثابه دوره‌های بررسی‌شده در قبل دلالت‌گری در مورد هویت گروه غیراروپایی در متن موردبررسی ما مشاهده نگردید؛ اما در مقابل دلالت‌گرهای متعددی دال بر هویت گروه اروپایی پیدا شد که در جدول ذیل آمار مربوط به این امر آورده شده است. در مجموع در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ از کل ۲۵ مورد مرتبط با هویت این گروه ۱۳ مورد بر هویت دوستی، ۹ مورد بر هویت دشمنی و درنهایت ۳ مورد بر رقیب بودن هویت گروه مذکور اشاره دارند.

در مورد هویت گروه دارای حق وتو نیز همانند گروه کشورهای غیراروپایی باید گفت، همان‌طور که در دوره‌های قبلی نیز بیان شد، در این دوره تاریخی نیز دلالت‌گری که حاکی از وجود نقطه مشترک در مورد مسأله‌ای خاص در بین اعضای دارای حق وتو در شورای امنیت باشد، یافت نشد؛ اما در مقابل گروه کشورهای بدون حق وتو در شورای امنیت که شامل کشور آلمان می‌شود، بارها در متن نمایش داده شده است. در مجموع در طول سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ از کل ۶ مورد دلالت‌گر مرتبط با هویت این گروه ۴ مورد بر هویت دوستی و ۲ مورد بر هویت دشمنی این گروه تأکید دارند.

جدول ۴: هویت گروهی اعضای ۵+۱ (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

مجموع	دوست		دشمن		رقیب		مجموع	دشمن		رقیب		مجموع	دوست		هویت گروهی
	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی		درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی		درصد فراوانی	فراوانی	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	قدرت‌های جهانی
۱۰۰	۱۹	-	-	۵/۳	۹۴/۷	۱۸	۱۰۰	۲۷	۲۲/۳	۶	۷۰/۳	۱۹	۷/۴	۲	غربی
-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	۲۵	۱۲	۳	۵۲	۱۳	۳۶	۹	اروپایی
۱۰۰	۶	-	-	۳۳/۴	۶۶/۶	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	بدون ح- و تو
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	دارای ح- و تو



نمودار ۳. مقایسه هویت گروهی کشورهای عضو ۱+۵ (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی هویت گروهی بازسازی‌شده از اعضای ۱+۵، طرف مذاکرات هسته‌ای ایران در روزنامه «ایران» در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پرداخته است. با توجه به مرور آمارهای به‌دست‌آمده از دوره‌های تاریخی بالا می‌توان این‌گونه بیان کرد که در مورد هویت گروهی ۱+۵ به‌جز دوره زمانی اول که با تعداد یک مورد و آن‌هم بر دشمنی این گروه تأکید می‌کند، در مجموع در دوره‌های بعدی پرداختن به هویت دوستی آن بیشتر از هویت دشمنی آن بوده است. هرچند که بین هویت دوستی و دشمنی این گروه به لحاظ آماری اختلاف زیادی وجود ندارد. برای مثال در دوره دوم از مجموع دلالت‌گرها ۵۰ درصد بر هویت دوستی و ۴۱ درصد بر هویت دشمنی گروه مذکور اشاره دارد. در مورد هویت گروه غربی این قضیه برعکس شده است. بدین معنی که اولاً، غالباً بر هویت دشمنی این گروه تأکید شده است و نکته دوم اینکه بین هویت دشمنی و هویت دوستی مورد اشاره این گروه به لحاظ آماری فاصله بسیار زیادی وجود دارد. برای مثال در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۴ از مجموع دلالت‌گرهای مرتبط با هویت گروه غرب ۹۴ درصد بر هویت دشمنی این گروه اشاره دارد. گروه شرق وضعیتی متفاوت از این دو گروهی که ذکر شد، دارد. در مورد این گروه به اتفاق بر هویت دوستی آن اشاره شده است و کل ۱۰۰ درصد دلالت‌گرهای یافت شده بر هویت دوستی این گروه شاهد هستند. به‌جز یک مورد در دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۸ که بر هویت دشمنی این گروه اشاره دارد که

آن‌هم ناشی از عملکرد اعضای گروه مذکور در مذاکرات هسته‌ای با ایران و احتمالاً رأی مثبت به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران بوده است. در مورد هویت برساخته شده از گروه اروپایی با توجه به آمار به‌دست‌آمده از دوره‌های زمانی سه‌گانه می‌توان گفت که در تمامی دوره‌های مذکور بیشتر بر هویت دوستی این گروه اشاره شده است. ضمن اینکه بر هویت دشمنی آن نیز اشاره زیادی شده ولی به لحاظ آماری بافاصله کمی پایین‌تر از هویت دوستی مورد اشاره این گروه قرار دارد. در نهایت در مورد هویت گروه بدون حق و تو در شورای امنیت نیز به این جمع‌بندی می‌رسیم که غالباً هویت دوستی آن مورد اشاره بوده است و در دو دوره اول این هویت با هویت دشمنی مورد اشاره گروه مذکور فاصله آماری کمتری دارد، اما در دوره دوم و سوم این فاصله آماری افزایش پیدا می‌کند. به‌نحوی که در دوره زمانی سوم به میزان ۶۶ درصد بر هویت دوستی این گروه اشاره می‌شود. موضوع دیگر تغییر و سیالیت در هویت‌های برساخته شده از گروه‌های مختلف است. در این مورد می‌توان به دو نکته اشاره کرد. اول اینکه هویت‌های برساخته شده ناشی از عملکرد خود گروه‌ها در روند مذاکرات هسته‌ای است و دوست یا دشمن شناساندن آن‌ها در متن روزنامه بستگی به عملکرد دوستانه یا دشمنانه آن‌ها دارد. برای مثال برساخته شدن هویت گروه شرق به‌عنوان دوست ناشی از عملکرد جانبدارانه آن‌ها در روند مذاکرات هسته‌ای به نفع ایران بوده است. دوم اینکه متن مورد بررسی با برساختن هویت‌های مختلف برای گروه‌های مورد بررسی در بین اعضای ۵+۱ سعی در جبهه‌سازی و دوست‌یابی یا به تعبیری جناح‌سازی بین اعضای مذکور داشته است؛ و در نهایت نکته آخری که در مورد تغییر در مورد هویت‌های برساخته می‌توان به آن اشاره کرد، موجودیت و اعلام وجود خود گروه‌های مذکور است. برای مثال آمار میزان پرداختن به هویت گروه‌های قدرت‌های بزرگ یا گروه غرب در دوره زمانی اول بسیار کم بود و دلیل آن‌هم این بود که هنوز این گروه‌ها در عالم واقع در رابطه با موضوع تحقیق (مذاکرات هسته‌ای ایران) شکل نگرفته بودند و بنابراین دلیلی برای پرداختن به آن‌ها وجود نداشت. به‌مرورزمان با شکل‌گیری و فعالیت این گروه، تعداد دلالت‌گرهای مربوط به آن طی این دوره افزایش می‌یابد. توضیحات بالا به‌خوبی بیانگر کاربرد عملی نظریه سازه‌انگاری (به‌عنوان چارچوب نظری) هستند. نظریه سازه‌انگاری در بین دو طیف نظریات عین‌گرا و ذهن‌گرا در روابط بین‌الملل در حد وسط قرار می‌گیرد و برای عین و ذهن ارزش و اهمیت یکسانی را قائل می‌شود. بر این اساس هم عملکرد دولت‌ها است که شکل‌دهنده تحولات روابط بین‌الملل است و هم اینکه هویت و هنجارهای دولت‌ها است که تعیین‌کننده اقدام آن‌ها در روابط با کشورهای دیگر است. آمارهای ارائه‌شده در بالا نیز بیانگر این نکته است که برسازای هویت‌های مختلف هم ناشی از عملکرد مورد هویت است و هم اینکه دولت‌ها با برسازای هویت‌ها سعی در پی‌گیری اهداف خود دارند.

## منابع و مأخذ

- پرایس، ریچارد، رئوس اسمیت (۱۳۸۶). رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب برسازی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان و پادگفتمان، تهران: نشر گفتمان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج احمدی، تهران: شیرازه.
- حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰). «رهیافت سازه‌انگاری در پرونده هسته‌ای و روابط ایران و اروپا»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۸۳: ۱۳۱-۱۰۸.
- حمیدی، محمدمحسن (۱۳۸۵). «دیپلماسی، ذهنیت‌سازی و پرونده هسته‌ای ایران»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۲۳ و ۲۲۴: ۱۴۱-۱۲۸.
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۴). «سازه‌انگاری الکساندر ونت: امتناع گذار از بن‌بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دست‌یابی به راهی میانه»، **جستارهای سیاسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲: ۷۴-۴۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). **تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- متقی، ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶). «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۴: ۲۳۸-۲۰۹.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دلاوری، علی (۱۳۸۰). **روش‌های آماری در علوم تربیتی و روان‌شناسی**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- رضاییان، مهدی (۱۳۷۸). «راهبردها و اهداف جنگ رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۹۸-۸۱.
- سلطانی‌فر، محمد (۱۳۸۵). «حقوق بین‌الملل، رسانه‌ها، صلح و امنیت بین‌الملل»، **مطالعات سایبر ژورنالیسم**، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. ۸۰-۶۱.
- کریندورف، کلوس (۱۳۹۰). **تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی**، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- کیوی، ریموند و کامینهود (۱۳۸۶). **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- میسایی، قاسم (۱۳۹۳). **جهانی‌شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.



هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۳: ۱۱۸-۸۵.

- Berger, Peter (1966). "Identity as a problem in the Sociology of Knowledge".  
**European journal of sociology**.Vol.7(1)
- Cerulo, Karen (1997). "Identity Construction: New Directions", **Annual Review of sociology**, Vol. 23.
- Wendt, Alexander (1992). "Anarchy is What States Make of It: the Social Construction of Power Politics", **International Organization**.Vol.46,No.2.
- Wendt, Alexander (1999). **Social Theory of International Politics**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Zehfuss, maja (2001). "Constructivism and Identity: A dangerous Liaison",  
**European Journal of International relations**,Vol.7,no.3.
- Ghiasian, M. Rovshan, B. Soltani, A. A. & Namvar, Z. (2014). Episodic analysis of Nuclear Activity of Iran in West newspapers. **Language Related Research**, 5(2), 179-206
- Izadi, F. & Saghaye-Biria, H. (2007). A discourse analysis of elite American newspaper editorials: The case of Iran's nuclear program. **Journal of communication inquiry**, 31(2), 140-165
- Behnam, B. & Zenouz, R. M. (2008). A contrastive critical analysis of Iranian and British newspaper reports on the Iran nuclear power program. **Systemic Functional Linguistics in Use**, 29, 199-218.